



سربازان گارد سلطنتی نروژ در برابر پنگوئنی که عضو افتخاری گارد است! عکس از خبرگزاری فرانسه

نمایشگاه نوشت افزار ایرانی - اسلامی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عکس از باشگاه خبرنگاران جوان



اختتامیه باشکوه المپیک ریو، عکس از خبرگزاری رویترز

دنیایه روایت تصویر

در محضر بزرگان

عوامل نجات انسان

مرحوم حاج اسماعیل دولابی از سه چیز به عنوان عامل نجات انسان نام برده و گفته‌اند:

سه چیز سبب نجات انسان است. هرکس می‌خواهد از ذُلّت، خَفّت و ظلم نجات پیدا کند، این سه چیز را برروی قلبش یادداشت کند: هر کس می‌خواهد از ظلمت جهل و ذُلّت و خواری نجات پیدا کند این سه چیز را مراقب باشد. یکی ایمان به خدا؛ یعنی با قلبت خدا را اقرار کن و او را یاد کن. دوم عمل صالح است، یعنی این اعمالی که انجام می‌دهی، بجهات را نان می‌دهی، راه می‌روی، در اجتماع حضور داری کار و تلاش می‌کنی همه برای خدا باشد. فرمان او را ببری و عمل صالح انجام دهی. سوّم هم این که در کم و زیاد، صبر داشته باشی. مریض می‌شوی، سالم می‌شوی، برآن‌ها صبر کنی. این سه چیز بشر را از آن ذلتی که تعریف می‌کنند بیرون می‌آورد.

«طوبی محتّ، جلد دوم، ص ۱۳۰

احکام

نماز خواندن زن در مسجد

محمدعلی ندایی - از قدیم میان مردم معروف است که مسجد زن، خانه اوست. با توجه به این ذهنیت، از حضرت آیت‌ا...
آخمنه‌ای سؤال سوال شده است که آیا فضیلت نماز خواندن در مسجد اختصاص به مردان دارد یا نه؟ معظم له در پاسخ چنین فتوا داده‌اند:

سؤال: آیا زن‌ها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟

جواب: فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست.

کاریکلماتور



سفرنامه

اتفاق جالب‌در اتوبوس‌های بین‌شهری کتیا

منصور ضابطیان خاطره جالبی از سفر بین شهری در کتیا با اتوبوس دارد:

با امیرعلی ساعت ۱۱ شب سوار اتوبوسی نسبتاً تر و تمیز می‌شویم. البته این شانس ماست وگرنه اتوبوس‌های غیرقابل تحمل کم نیستند. دو صندلی اول اتوبوس VIP است. صندلی در واقع یک میل بزرگ است که جای دو صندلی را اشغال کرده با روکش چرم و کلی دستک و دندبک. دو ردیف بعدی First Class است با همان شرایط اما کم‌عرض‌تر و از آن به بعد هم که صندلی‌های معمولی است. در کتیا وقتی سوار بر اتوبوس‌های بین شهری می‌شوید زمانی که مسافران تکمیل می‌شوند و اتوبوس راه می‌افتد شاگرد راننده با یک دوربین دیجیتال شروع می‌کند به تصویربرداری از همه مسافران. او از سر تا ته اتوبوس را تصویربرداری می‌کند. این کار برای جلوگیری از دزدی احتمالی و شناسایی زده‌ها صورت می‌گیرد. بعدتر در مرکز خرید بلیت در «مومباسا» می‌بینیم که چند تا از همین عکس‌ها را روی در دیوار زده‌اند و زیرش مثلاً نوشته‌اند: «دزد لب‌پاپ با دزد چمدان» «مارک دو پلو» اثر منصور ضابطیان

یادش بخیر



اندک‌ک صبر

دنیای شیرین

کاش می‌شد یک صبح کسی زنگ خانه‌ها مان را بزند بگوید: با دست‌پُر آمده‌ام...
با لبخند با قلب‌هایی آکنده از عشق‌های واقعی!
از آن سوی دوست داشتنها...
آمده‌ام بمانم!
و هرگز نروم...

زندگی در فرودگاه!

آدیتی ستنرال/ یک سرباز قدیمی ایرلندی، با الهام از فیلم «ترمینال» که در سال ۲۰۰۴ با بازی تام هنکس ساخته شده، تصمیم گرفت در فرودگاه زندگی کند! او که بعد از این که برای جلوگیری از فاش شدن هویتش، خودش را با چتر از هواپیما پرت کرده بود بی‌خانمان و بی‌پول شده و همسرش هم ترکش کرده بود، تصمیم گرفت چند روزی را در فرودگاه «هیترو» در اروپا بگذراند اما حالا بیشتر از یک ماه است که ساکن سالن‌های فرودگاه است و فعلاً هم قصد ندارد آنجا را ترک کند!

تبدیل آپارتمان به جنگل!

آدیتی ستنرال/ «رایان اواکس» زنی که سال‌هاست در شهر «نیویورک» فعالیت می‌کند و دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در شهر سرسبز «پنسیلوانیا» گذرانده است، طی یازده سال، آپارتمان ۱۱۱ متری‌اش را به گلخانه‌ای با ۵۰۰ گیاه متنوع تبدیل کرده است. او می‌گوید به خاطر محل زندگی دوران کودکی‌اش، این تنها راهی بود که باعث می‌شد بتواند محیط شهر نیویورک را تحمل کند. او از ۱۸ سالگی به تنهایی زندگی می‌کند و تمام این گیاهان را هم خودش پرورش داده است.

رها کردن تمساح در مدرسه!

اسکای نیوز/ سه تمساح غول پیکر توسط چهار مرد که صورتشان را پوشانده بودند در مدرسه‌ای در ایستر الیا رها شدند! این مظنونان توسط دوربین مداربسته شناسایی شده‌اند و هم اکنون پلیس به دنبال آن‌هاست. سه تمساح رها شده، مدت‌های زیادی بود که در خشکی نگهداری شده بودند و از شدت سوت‌تذیه و گرسنگی نمی‌توانستند تکان بخورند! بنابراین نتوانستند آسمینی به کسی برسانند و به راحتی گیر افتادند! این حیوانات به سرعت به محل نگهداری از حیوانات انتقال داده شدند.

لباس عجیب نخست وزیر ژاپن!

بورد پاند/ همان طور که بازی‌های المپیک ریو بسیار دیدنی و جذاب بود، مراسم اختتامیه هم از این قاعده مستثنی نبود! در این مراسم، مسئولان رده بالای کشورهای مختلف با لباس‌های عجیب و غریب ظاهر شدند و در این میان لباس نخست وزیر کشور ژاپن، به عنوان میزبان بعدی بازی‌های المپیک، برای همه بسیار دوست داشتنی و نوستالژیک بود. او با لباس شخصیت معروف بازی‌های رایانه‌ای قدیمی، «سوپر ماریو» در این مراسم حاضر شد!

افسانه‌های نوین

اعتماد به نفس مردم

پسری چندین سال شاگرد نقاش بزرگی بود و تمامی فنون و هنر نقاشی را از وی آموخت. از چشم چشم دو ابرو شروع کرده بود تا... لیخند ژ کوند را چشم بسته بدون دست با قلم لای دندان‌ش می‌کشید. استاد به او گفت: «خودت دیگر استاد شده‌ای و من چیزی ندارم که به تو بیاموزم. بلند شو برو که جای بقیه شاگرد‌ها را تنگ نکنی و الکی شهریه ندهی.» شاگرد که دلش نمی‌خواست از کلاس استاد خارج شود چون هم خوش‌آب و هوا بود و هم حوصله دنبال کار گشتن نداشت، فکری به ذهنش رسید. در طول یک ماه نقاشی بسیار زیبایی کشید و آن را در میدان شهر قرارداد. یک قلم مو و مقداری رنگ هم در کنار آن قرارداد و از رهگذران خواش کرد اگر هر جایی ایرادی می‌بینند یک علامت × بزنند. غروب که برگشت دید تمامی تابلو علامت ضربرد خورده است. خوشحال تابلو را به استاد نشان داد و گفت: «دیدین هنوز کارم خرابه‌؟» استاد گفت: «آیا می‌توانی دقیقاً همان نقاشی را برایم بکشی؟» شاگرد یک ماه دیگر وقت گذاشت و کشید. استاد آن نقاشی را در همان میدان قرارداد ولی این بار کنار تابلو نوشت: «اگر جایی از نقاشی ایراد دارد لطفاً با این رنگ و قلم اصلاح کنید.» سپس به شاگرد گفت: «چون انسان‌ها قدرت انتقاد دارند ولی جرات اصلاح ندارند کسی کاری به نقاشی تو ندارد. حالا ببین!» هنوز حرف استاد تمام نشده بود که دیدند مردم هجوم آورده‌اند تا نقاشی را اصلاح کنند! وقتی مردم کنار رفتند دیدند اثری از نقاشی اولیه نمانده و داغان شده است! شاگرد که در این دو ماه اعصابش خرد شده بود، بوم نقاشی را برداشت و توی سر استاد کوباند و خودش رفت سر کلاس جانشین استاد شد تا استاد یاد بگیرد که این مردم هم اهل انتقادند و هم خیلی اعتماد به نفس دارند و خودشان را همه‌فن حریف می‌دانند!

زوم



جنگل «پلنگ‌دره» شهرستان «سوادکوه» استان مازندران، عکس از تازنین گنجعلی



دی‌روزنامه

خسته‌نباشی‌نازنین معترض

همه ما اعتراض را بلدیم. از همان کودکی وقتی اسباب‌بازی را ازمان می‌گرفتند و با گریه و صداهای مختلف اعتراض می‌کردیم، تا همین الان که وقتی گوشی تلفن همراه را ازمان می‌گیرند یا اینترنت قطع می‌شود! اعتراض اقسام متفاوتی دارد که روزبه‌روز پیشرفته‌تر هم می‌شود. ساده‌ترین‌ش اعتراض زبانی است که از «ای بابا!» شروع می‌شود و به مراحل بالاتر و ايجاد و ارواح‌شان هم می‌رسد! معمولاً اعتراضات پیشرفته بیشتر در هنگام رانندگی رخ می‌دهند که خب اینجا جای بیانش نیست و ترجیحاً باید در وسط خیابان ابراز شود! بعضی از اعتراضات را در مسابقات المپیک هم دیدیم. از بالا بردن دست و اخم کردن به داور، تا پرتاب عروسک وسط زمین و تثار کردن انواع و اقسام هرچی هست. در مسابقه آخر کشتی که کار به جاهای باریک کشید و مربیان تیم مغولستان، دست به عملیات انتحاری زدند و به صورت منشوری و هاشوری، اعتراض خودشان را به گوش و چشم داوران و هیئت ژوری و کل مردم دنیا رساندند!

برخلاف اعتراض‌های ورزشی که خیلی جفر ابراز می‌شوند، اعتراض هنری هم داریم که خیلی زیرپوستی و مایل سر مردن‌ان است. از اعتراض کتبی و بیابیه رسانه‌ای شروع می‌شود تا قهر روی سن و حتی پریدن وسط زمین فوتبال! چند روز پیش یک نوع اعتراض هنری دیگر هم دیدیم که هنوز در تعجبیم که آخر چرا؟! حامد بهداد، هنرمند سینمای کشور که بیشتر با نقش‌های عصبی شناخته می‌شود، بعد از فوت مرحوم کیارستمی خیلی ناراحت است و دائم اعتراض می‌کند. تا جایی که در روز پز شک، با گذاشتن عکس او رونه ابوعلی سینا در صفحه‌اش، نشان داد که هنوز اعصاب ندارد. البته تا حالا کسی پی نبرده که این وسط ابن‌سینای پنده خدا چه گناهی کرده بوده و چه نقشی در فوت مرحوم کیارستمی دارد؟ شاید بهداد می‌خواست این طوری بگوید اگر ابوعلی علم پزشکی را پایه نمی‌گذاشت، پزشکی امروزی و خطاهای احتمالی‌اش هم به وجود نمی‌آمد عباس کیارستمی هم پایش به بیمارستان باز نمی‌شد و همانجا در خانه خودش یا خانه دوست، با بیماری‌اش می‌ساخت و می‌سوخت!



البته این که شوخی بود ولی جدا هر چی بیشتر روزنامه «خراسان» بخونین، به دلیل قانون جذب احتمال برنده شدن تون بیشتره!

ضمن این که مسابقه جدیدمون هم این کاریکاتور بزرگه که است. سعی کنین این بازل رو حل کنین و پاسخ رو تا پنج شنبه ساعت ۲۲ برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ بفرستین. راستی یادتون نره توی پیامک‌تون به اسم «همشهری سلام» یا «این کیه؟» اشاره کنین حتماً. جایزه مثل هفته قبل چاپ عکس و کاریکاتور تون تو صفحه است. خداحافظ

رادیو‌الان

شوک بزرگ به پرسپولیس با استقلالی‌شدن تتلو!

سلام و خدا قوت، تو همه جای دنیا لیگ فوتبال شون وسط مسابقات یک‌بار تعطیل می‌شه و تیم‌ها می‌رن تو فصل نقل و انتقالات بازیکن، اما تو کشور ما هنوز چهار هفته از لیگ نگذشته تعطیل شده! خب در این شرایط دیگه نقل و انتقال بازیکن توجیهی نداره، چون هنوز بازیکن‌ها تو تیم‌ها جا نیفتادن! برای همین از اسمال و با تعطیلی لیگ، نقل و انتقال هوادار شروع شد! و تو این بازار نقل و انتقالات استقلالی‌ها هر چقدر تو لیگ ضعیف بودن تو جذب هوادار خوب و کار کشته و موفق عمل کردن چون جناب «تتلو» رسماً استقلالی‌شدا البته این موضوع چندان بی‌سابقه نیست، من خیلی‌ها رو دیدم که طرفدار یک تیمی بودن و بعدش نظرشون عوض شده، ولی معمولاً این تغییر عقیده تو ۵ سال اول زندگی آدم‌ها رخ می‌ده! اما خب حالا امیرتتلو الان فهمیده که دوست داره استقلالی‌بشه! اشکالی نداره، تصمیم خودش، به کسی چه مربوط؟ اما اینجا‌ش جالبه که از هوادارش هم خواسته استقلالی‌بشن! یعنی فکری کرده هوادارش پرسپولیس رو به جای علی کریمی و عابدزاده و علی دایی، به خاطر ایشون انتخاب کردن! حالا جالبه تو اینستاگرامش تلویحا نوشته که باعث حضور هواداران نوی استادپس هم ایشون بوده! با این حساب محسن مسلمان هم یک یادم تو عمق داد و طارمی که گل زد و سوشا که گل خورد هیچ کاره بودن! فقط کاش تتلو که با یک حرفش این همه هوادار اومد استادپدم و حالا دیگه نمی‌یاد، تا وقتی هوادار پرسپولیس بود یک صحبتی هم با تیر دروازه‌ها می‌کرد که اینقدر مانع گل شدن شوت‌های عالیشاه نشن! حالا کار نداریم جدی جدی یکسری از هواداران تتلو گفتن استقلالی‌شدیم، اما از اینور یکسری از هواداران استقلال هم گفتن دیگه استقلالی نیستیم! برانکو هم اتاق بحران تشکیل داده با دستیاران و آنالیزورهاش که در برابر این بحران چه تدابیری داشته باشن! تحلیلگران معتقدن بعد از رفتن سوشا از پرسپولیس، این دومین شوک بزرگ به تیم بوده و احياناً همون طور که رفتن سوشا باعث نتایج بهتر شد این اتفاق هم می‌تونه باعث قهرمانی تیم تو آسیا بشه! حالا باید به انتظار نشست تا موضع سازمان ملل رو هم بشنویم و بعد تصمیم بگیریم!

سید مصطفی صابری

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

«خفن استرپ» واقعاََ بی‌معنی شده.
هرروز عربی، گناباد
«من راننده خاور هستم. «زندگی سلام»، رو هر روز می‌خونم و از این صفحه تشکر می‌کنم.
محمد قدردی، مشهد
«چرا شنبه‌ها صفحه «خوانده و مشاوره» نیست؟ این چیه گذاشتین به جاش؟ سوال من رو چاب نمی‌کنین بعد به جاش صفحه نوجوانانه می‌ذارین؟
ناعید، مشهد
«میشه داستان‌هایی که خودم می‌نویسم رو بفرستم؟
photo@khorasannews.com ایمیل کنید.
«جوادجان! خوش به حالت که همسرت روز تولدت رو توی ستون «ماوشما» بهت تبریک گفت. من که سوم شهریور تولدمه، دریخ از یه تبریک خشک و خالی!
سعید، مشهد
«باباجونم تولدت مبارک. خیلی دوست دارم و قدرش‌ناس در حمات هستم.
حنا خدعادی‌ای ۱۴، مشهد



من و خوا: صابری، قاسمی